

متن پرسش

استاد نظر تان راجع به این متن چگونه است. باتشکر دین عمومی و اتوریتته عامه جز چند پیام کوتاه و کلی و چند برنامه عبادی ساده، دیگر اجزا و باورهای منسوب به دین، مخلوطی از تاریخ دین و تأملات بشری و فرهنگ زمانه و اجتهاد عالمان و ظنون است. دین در بهترین حالت، پدیده‌ای الهی □ بشری یا به گمان من، بشری □ الهی است. دین آسمانی، به این معنا که از صدر تا ذیل آن نسبتی روشن با آسمان و خدا داشته باشد، وجود خارجی ندارد. از همین رو است که عالمان عمیق و متقی، تسامح و تواضع بیشتری دارند و کمتر دیگران را به نادانی یا دشمنی متهم می‌کنند؛ چون می‌دانند که حقیقت چندان آشکار نیست که بتوان در هیچ مسئله‌ای به جزم و یقین رسید و مخالف را به نادانی و کوری یا سرسپردگی به بیگانگان متهم کرد. «اما» گرایش مردم عادی و عامی همواره به سوی کسانی است که با جزم و قطع بیشتری سخن می‌گویند و تصویری روشن‌تر ارائه می‌دهند و بر آن پافشاری می‌کنند. این میل و گرایش، دلایل جامعه‌شناختی و فرهنگی دارد و البته در منابع دینی نیز می‌توان گزاره‌هایی در تأیید آن یافت؛ اگرچه با روح دینداری و بدیهیات دینی و «شریعت سهله و سمحه» نمی‌سازد. از پیامبر اسلام(ص) چندین روایت نقل شده است که فرموده‌اند در دین «تعمق» نکنید: «إیاکم و التعمق فی الدین فإن الله تعالی قد جعله سهلاً؛ از سخت‌گیری در دین بپرهیزید که خدا دین را بر شما آسان کرده است.» (کنز العمال، ج ۳، ص ۳۵). به عبارت دیگر، باریک‌بینی و نازک‌اندیشی و خیال‌پردازی و تعمیم در دین ممنوع است. اما در نظر دینداران عامی، عالمان سخت‌گیرتر، مقدس‌تر و پرهیزگارترند و عالمانی که تساهل و تسامح بیشتری دارند و کمتر احتیاط می‌کنند، سزاوار تقلید و تقدیس نیستند. از همین رو است که اقتدار اجتماعی و منابع مالی جامعه دینی، بیشتر به سوی عالمان سخت‌گیرتر می‌رود و آنان جایگاهی بلندتر می‌یابند و دست بالا را دارند. در مقابل، عالمان آسان‌گیر و اهل مدارا به حاشیه می‌روند و از قداست کمتری برخوردارند و گاه به بی‌مبالاتی و اباحی‌گری در دین متهم می‌شوند. قدرت و ثروت در نزد عامه مردم است و استقبال آنان از فهم و قرائتی خاص از دین، تعیین‌کننده است. اگر مرجع تقلیدی در قم مانند آیت الله صانعی، به‌رغم آسان‌گیری در فتوا، مقلدان کمتری دارد، از همین رو است. اگر نام عالمانی همچون سید محمدجواد غروی اصفهانی و آقا رحیم ارباب و استادش سید محمدباقر درچه‌ای اصفهانی و شیخ هادی نجم‌آبادی و سید مرتضی جزائری که اعتقادی به حجاب مشهور نداشت و هیچ‌یک از آثار قلمی او اجازه نشر نیافته‌اند، کمتر بر سر زبان‌هاست، از همین رو است. اگر دقت‌های ریاضی‌وار و عجیب و غریب و احتیاط‌های گیج‌کننده شیخ مرتضی انصاری الگوی اجتهاد شیعی شد و اکنون کتاب‌های او درسنامه‌های حوزوی است، از همین رو است. بسیار

بسیار مهم است که بدانیم آنچه روایتی را از دین بر روایت‌های دیگر غالب می‌کند، کم‌وکیف استقبال مردم عامی است، نه منطق درونی آن. هر روایت و فهمی از دین که زمینه اجتماعی بیشتری دارد، صدرنشین می‌شود و عالمانی که به هر دلیلی به آن روایت وفادارترند، اقبال بیشتری می‌بینند. در عهد قاجار، مردم روستایی که همه آنان مقلد مرجع تقلیدی در نجف بودند، شخصی را به نجف فرستادند تا آقا را زیارت کند و وجوهات سالانه آنان را به ایشان تحویل دهد. نماینده روستا در یکی از روزهای ماه رمضان، هنگام اذان ظهر، آقا را در بیت او ملاقات می‌کند؛ اما در کمال تعجب می‌بیند که آقا سیگار می‌کشد و به جای اقامه نماز در اول وقت، با شاگردان و مراجعان به گفت‌وگو نشسته است. مرد روستایی بدون هیچ گفت‌وگویی به روستا برمی‌گردد و به هم‌ولایتی‌های خود می‌گوید: «وای بر ما، تا امروز از کسی تقلید می‌کردیم که نه نماز می‌خواند و نه روزه می‌گیرد. من دیگر از او تقلید نمی‌کنم. مردم نیز یک‌صد مرجع پیشین خود را لعن کردند.» در نظر مردم آن روستا، خواندن نماز در اول وقت واجب بود و دود سیگار، مفطر روزه. رضا بابایی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. حتماً در جریان هستید که این مباحث در بین روشنفکران که عموماً به دنبال فرار از زندگی دینی هستند، رونق و رواج دارد که به دلیل نشناختن جایگاه قدسی دین است و رجوع آن‌ها به امثال آقای غروی در گذشته و آقای شبستری در حال حاضر، در این رابطه است و ریشه‌ای در دل سپردن به فرهنگ غربی در آن دیده می‌شود. بنده عرایضی در نقد آراء آقایان سروش و شبستری در دو جزوه‌ی جداگانه داشته‌ام که بر روی سایت هست. البته به شکل‌های متفاوت اندیشه‌ی این آقایان که سعی دارند دین را از حالت قدسی به حالت عرفی تبدیل کنند، مورد نقد قرار گرفته است که جای بحث آن این‌جا نیست. ۲. معنای تعمق در روایت مذکور به معنای گیردادن بی‌جا است در حالی که قرآن توصیه به تدبّر می‌کند پس معلوم است نمی‌خواهد مردم در حدّ دین عوام بمانند. موفق باشید